

تأثیر فرهنگی - اجتماعی کاشی نگاره‌های دروازه‌ها و سردرهای عصر قاجار تهران^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

فاطمه ذوالفقاری^۲، مهران هوشیار^۳

چکیده

عصر قاجار یکی از متحول‌ترین ادوار تاریخ ایران در وجوه مختلف هنری، سیاسی، اقتصادی و نظام اجتماعی محسوب می‌شود. در این دوره تهران به دلیل روند رشد شهرنشینی، با دگرگونی‌های اساسی و بنیادین در زمینه‌ی معماری و تزئینات وابسته به آن خصوصاً کاشی‌کاری مواجه گردید. به طوری که، کاشی‌کاری در بناهای عمومی همانند دروازه‌ها و سردرهای شهری، در سطح وسیعی به کار گرفته شد. با تأثیر ادبیات و گرایش به مضامین باستانی در سلیقه‌ی حاکم بر این دوره، هنرمندان نیز مضامین مختلفی از ادبیات کهن را دست‌مایه‌ی هنر خود قرار دادند؛ که علاوه بر نقش کارکردی و تزئینی می‌توانست، القاکننده‌ی پیام‌های فرهنگی و سیاسی نیز باشد. با مشاهده کاشی‌نگاره‌های این دوره، می‌توان دریافت که اغلب آن‌ها جنبه‌ی روایی داشته و بیان‌گر یک موضوع مشخص می‌باشند. در این پژوهش بنیادی، تلاش شده، تا با شناخت نقوش روایی - ادبی کار شده بر روی دروازه‌ها، به تأثیر آن در ارتقاء آگاهی و بینش فرهنگی و ادبی، مخاطب اشاره شود. پژوهش حاضر، به لحاظ ماهیت پژوهشی توصیفی - تحلیلی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات اسنادی و با تکیه بر مشاهدات حاصل از کاشی‌های تصویری در شهر تهران تدوین شده است. با تحلیل یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد، کاربرد این نقوش در سطوح مختلف شهری و در معرض دید قرارگرفتن آن‌ها برای عموم مردم می‌تواند در انتقال مفاهیم فرهنگی، تاریخی، عقاید و باورهای ایران زمین مؤثر واقع شود. مشاهده این تصاویر در ارتقاء سطح شناخت و آگاهی افراد جامعه بی‌تأثیر نبوده؛ و امروزه نیز می‌توان از این هنر دیرین به‌عنوان ابزاری بصری، برای بیان موضوعات اجتماعی و نیز ترویج تاریخ و فرهنگ این سرزمین استفاده کرد.

کلیدواژگان: دروازه‌ها و سردرها، کاشی‌نگاری، ادبیات روایی، دوره‌ی قاجار، شهر تهران.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده اول با عنوان «بازشناسی مفاهیم نقوش روایت‌گرایانه در کاشی‌کاری ابنیه دوره قاجار تهران» (۱۳۹۶) است.

۲. مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد رشته صنایع دستی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: zolfaqarib@gmail.com

۳. دانشیار دانشکده هنر دانشگاه سوره، تهران، ایران
E-mail: houshiar@soore.ac.ir

مقدمه

شهر و شهرنشینی از اولین نشانه‌های تمدن بشری به‌شمار می‌آید، چنان‌که از گذشته‌های دور مردم برای دفاع از جان و مال خویش ترجیح می‌دادند به‌صورت گروهی در حصارهایی مأوا جویند. شهرنشینی در عصر قاجار نیز با اتکا به این رویکرد و با توجه به تحولات گوناگون در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظام اجتماعی حاکم، و هم‌چنین نگاه به غرب و تطور در امور سیاسی و فرهنگی، شاهد تغییرات و نوآوری‌های کثیری شد. تحول و دگرگونی در زمینه‌های مختلف شهری از جمله معماری در تهران به‌عنوان پایتخت سلطنت قاجار، بسیار مشهود است، چنان‌که در پی تحولات عمیق، این شهر از یک روستای کوچک در اطراف ری که حد و مرزی مشخص داشت؛ به شهری بزرگ، با رشدی فزاینده، تبدیل گشت. طی این دوره، تهران به محله‌های مختلف تقسیم گردید، که هر محله نام خاصی به‌خود گرفت، همانند محله سنگلج، محله ارگ و سایر محله‌ها که هر یک بنا بر ویژگی‌های خاصی همچون موقعیت جغرافیایی و یا برگرفته از نام یک فرد خاص، نام‌گذاری می‌شدند. امروزه در اغلب شهرهای ایران معابر و اماکنی، از گذشته برجای مانده، که به‌نام ارگ شناخته می‌شود. ارگ غالباً شامل دیوار، برج و بارو و خندق بوده، که هسته‌ی مرکزی شهر را تشکیل می‌داده است. شهرسازی دوره‌ی قاجار با ساختن حصارها و نیز دروازه‌هایی بر روی آن، در بسیاری از شهرهای ایران، به‌ویژه پایتخت از رشد و اقبال بسیاری برخوردار گردید. چنان‌چه تحولات اساسی در زمینه‌ی معماری و هنرهای وابسته به آن در زمینه‌ی ساخت‌وساز حصار و دروازه‌های شهری بسیار مشهود است. متأسفانه اکثر این دروازه‌ها با معماری باشکوه، که غالباً مملو از کاشی‌های پُر نقش بودند، پس از قاجارها (در دوره‌ی پهلوی اول)، به‌منظور خیابان‌کشی و گسترش شهر، تخریب شده است. در پژوهش پیش‌رو تلاش شده، با استفاده از منابع تصویری و سفرنامه‌های موجود، برخی از ویژگی‌های نقوش به‌کار رفته در کاشی‌نگاره‌های این دروازه‌ها و سردرها مورد بررسی قرار گیرد. تصاویر به‌کار رفته در این بناها، غالباً برگرفته از مضامین ادبی و اسطوره‌ای است که از دیرباز مورد توجه هنرمندان بوده است. با مشاهده هر یک از تصاویر موجود، می‌توان گفت: که در اغلب دروازه‌های این دوره، نمونه‌ای از این تصاویر نقش شده، که حامل پیام‌های گوناگونی است.

هدف این پژوهش بررسی کاشی‌های تصویری دروازه‌ها و سردرهای تهران در دوره‌ی قاجار، به‌منظور شناخت هر یک از مضامین به‌کار رفته در آن‌ها و بررسی تأثیرگذاری این نقوش بر

ارتباط بیش‌تر مردم با ادبیات و تاریخ ایران است. در این راستا پاسخ به سوالات زیر مورد نظر است: ۱- چه مضامینی از ادبیات اصیل و کهن ایران در کاشی‌نگاره‌های موجود در دروازه‌ها و سردرهای شهر تهران، به‌کار رفته است؟ ۲- تصاویر روایی- ادبی به‌کار رفته در کاشی‌کاری این بناها، چه تأثیری بر مخاطبین داشته است؟ این پژوهش از نظر چيستی، پژوهشی با رویکرد کیفی و از لحاظ هدف و ماهیت، پژوهشی بنیادی به‌شمار می‌رود، که به شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی صورت گرفته است. هم‌چنین در این تحقیق جمع‌آوری اطلاعات به‌روش کتابخانه‌ای از جمله بررسی انواع سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی است، که در برخی موارد از روش بینشی و تجربه پژوهی (میدانی) برای دستیابی به یافته‌های معتبر بهره گرفته است.

پیشینه‌ی پژوهش

در مورد دروازه‌های دوره‌ی قاجار پژوهش‌های دیگری نیز موجود می‌باشد که هر یک به‌طور ویژه حامل دستاوردهای مهمی در این عرصه است، اما نقوش تصویری-روایی موجود در کاشی‌های این بناها به‌طور خاص تاکنون بررسی نشده است. تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته و مرتبط در این خصوص عبارتند از: افرادی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ی «شناسایی وجه اشتراک پیام موجود در سردر هفت بنای عمومی دوره‌ی قاجار از طریق تحلیل گفتمان نقوش به‌کار رفته در آن‌ها»^۴، هفت نمونه از بناهای ساخته شده در دوره‌ی قاجار را انتخاب و به شناسایی وجه اشتراک آن‌ها در نحوه‌ی ارتباط با مخاطبان پرداخته است. او معتقد است پیام‌رسانی در همه بناهای منتخب با بهره‌گیری از نقوش مختلف، مضامین متفاوت و ترکیب‌های ظریف، ولی با روش‌های گوناگون صورت گرفته اما به‌طور کلی غلبه‌ی خیر بر شر وجه مشترک تمامی آن‌ها است. گرچه هیچ‌یک از هفت بنای بررسی شده، جزء جامعه‌آماری این پژوهش نمی‌باشد، اما از نظر ساختار پژوهشی می‌تواند راه‌گشای این مقاله باشد. عطارزاده و اتحادمحکم (۱۳۹۲)، در مقاله «خوانش گفتمان کاشی‌نگاره‌ی روایتگر سردر ورودی باغ ارم شیراز»^۵ به خوانش سه هلالی موجود در سردر باغ ارم پرداخته‌اند. در این مقاله ویژگی‌های روایت‌گرایانه در هر سه تصویر، در زمینه ترکیب‌بندی و چیدمان کاشی‌نگاره‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته تا هر یک از عناصر تصویری مشترک در آن‌ها کشف گردد. پژوهشگران در روند تحلیل

۴. افرادی، کاظم. (۱۳۹۵). شناسایی وجه اشتراک پیام موجود در سردر هفت بنای عمومی دوره‌ی قاجار از طریق تحلیل گفتمان نقوش به‌کار رفته در آن‌ها. *فصلنامه علمی-پژوهشی نگره*؛ شماره ۳۷، ص ۴۸-۳۳.

۵. عطارزاده، مجتبی و اتحادمحکم، سحر. (۱۳۹۲). خوانش گفتمان کاشی‌نگاره‌ی روایتگر سردر ورودی باغ ارم شیراز. *باغ نظر*؛ دوره ۱۰، شماره ۲۶، ص ۴۸-۴۱.

آثار، مشخص نمودند که در هر سه مجلس، عناصر تصویری در یک مضمون اشتراک دارند و آن قدرت پادشاه است که جملگی بر پادشاهی ناصرالدین شاه دلالت دارد. مقاله فوق از نظر شناخت و تحلیل نقوش روایی با پژوهش پیشرو اشتراکات قابل ملاحظه‌ای دارد. حاج‌یاسینی (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبیین الگوی شکلی دروازه‌های حصار شهر تهران در دوره قاجار»^۶ و نیز حاج‌یاسینی و ارژمند (۱۳۹۱)، در مقاله‌ی «دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی»^۷، به خصوصیات مشترک یا تفاوت‌های موجود بین دروازه‌های تهران، در مقیاس شهری با توجه به نوع ارتباطات و موقعیت قرارگیری آن‌ها پرداخته‌اند، و این بناها را در حوزه‌ی معماری، از جمله معرفی اجزای کالبدی و چگونگی ترکیب این اجزا بررسی نموده‌اند. به‌طورکلی در این پژوهش، اساس کارکرد دروازه‌ها و ارتباط ویژگی‌های معماری آن‌ها، بر اساس مشترکات فرمی مورد مقایسه قرار گرفته است. این دو پژوهش در زمینه‌ی شناخت و کارکرد دروازه‌های تهران نکات مهمی را ارائه می‌نمایند، که در دستیابی به اهداف مقاله‌ی پیش‌رو، مؤثر است. رضوانی (۱۳۷۰)، در مقاله «گزارشی از دروازه‌های تهران در عصر ناصری»^۸، با توجه به گزارش «کتابچه روزانه دروازه‌های دارالخلافه الباهره تهران»^۹ تردد در دروازه‌های تهران را در یک روز بررسی کرده است. این مقاله میزان تردد و کارایی یک دروازه (به‌عنوان نمونه‌ای از چندین دروازه موجود)، را در اختیار این مطالعه قرار داده است. شعله (۱۳۸۵)، «دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای»^{۱۰}، در پژوهش فوق نیز دروازه‌های شهر شیراز مورد بررسی قرار گرفته و تلاش دارد، از طریق تقویت حس مکان و تداوم رشته‌های خاطره‌ای، میان بافت جدید و بافت قدیمی شهر پیوند ایجاد نماید. تأثیر بناها در خاطره جمعی افراد جامعه از جمله مباحثی است که در مقاله پیش‌رو مورد توجه قرار گرفته است.

ساختار شهر تهران

تهران در گذشته روستای کوچکی بوده که با گذر زمان کم‌کم

نخستین حصار تهران در دوره‌ی شاه‌تهماسب صفوی بنا شد، در این دوره، شهر تهران با محیطی در حدود هفت هزار متر، حصار شامل یک صد برج و خندقی پیرامون آن بود، که شهر را از زمین‌های اطراف جدا می‌نمود (پولاک، ۱۳۶۸). در مورد دروازه‌های تهران چنین آورده‌اند که تا پیش از سلطنت ناصرالدین‌شاه، پیرامون شهر حصار با ۱۱۴ برج به تعداد سوره‌های قرآن و نیز ۶ دروازه قرار داشته است. از این میان ۴ دروازه، در زمان سلطنت صفویان و یکی دیگر از آن‌ها با نام «دروازه اسدالدوله» یا «دروازه دولت» توسط افغان‌ها بنا شده بود (حاج‌حسینی و ارژمند، ۱۳۹۱)؛ دروازه‌ی دیگری نیز با نام «دروازه محمدیه» توسط «محمدشاه قاجار» احداث گردید (مصطفوی، ۱۳۶۱). این دروازه‌ها که تا دوره‌ی قاجار نیز برقرار بودند کم‌کم با گذشت زمان دچار فرسودگی شدند، چنان‌که در اواسط این دوره کاملاً کارایی خود را از دست دادند و از هر

۶. حاج‌یاسینی، هاله. (۱۳۹۰). تبیین الگوی شکلی دروازه‌های حصار شهر تهران در دوره قاجار. دانشگاه هنر اصفهان - دانشکده معماری و شهرسازی.
 ۷. حاج‌یاسینی، هاله و ارژمند، محمود. (۱۳۹۱). دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی. نشریه معماری و شهرسازی؛ دوره ۵، شماره ۹. ص ۱۰۵-۱۲۹.
 ۸. رضوانی، محمداسماعیل. (۱۳۷۰). گزارشی از دروازه‌های تهران، در عصر ناصری. گنجینه اسناد؛ شماره ۳ و ۴، ص ۷۶-۵۸.
 ۹. کتابچه ایاب و ذهاب عهد ناصری که تمامی گزارش‌های روزانه‌ی دروازه‌ها در آن نگاشته می‌شد.
 ۱۰. شعله، مهسا. (۱۳۸۵). دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای. نشریه هنرهای زیبا؛ شماره ۲۷، ص ۲۶-۱۷.

۱۱. شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت‌بن‌عبدالله الحموی (۵۷۴-۶۲۶ ه.ق) مشهور به «یاقوت حموی»، جغرافی‌دان و تاریخ‌نویس عرب‌زبان و یونانی‌تبار است که کتاب *مُعجم‌البلدان* در زمینه‌ی جغرافیا از آثار اوست.
 ۱۲. گرگان کنونی تا سال ۱۳۱۶ «آسترآباد» یا «آستارباد» نام داشت.

دیپلمات انگلیسی که در حدود سال (۱۲۳۴ق/۱۸۱۹م) در تهران بوده، این دروازه‌ها را از حیث ساختمان بسیار ساده برشمرده و می‌گوید: نمای آن‌ها جز چند آجر کاشی آبی و سبز که برای تزئین به‌کار رفته‌اند، تزئین دیگری ندارد (Ker Porter, 2011). اما برخلاف آن، ساخت حصار ناصری فاقد کارکرد حفاظتی بود و یا کم‌تر به این امر دلالت داشت. با توجه به پیشرفت‌های حاصله در زمینه‌ی ساخت صلاح و توپ‌های جنگی که به‌راحتی استحکامات و باروها را تخریب می‌کردند؛ این حصار به‌راحتی از بین می‌رفت و نیازی به ساخت آن نبود. حتی خندق‌های حفر شده نیز کارایی لازم را نداشتند، چنان‌چه در این باره آورده‌اند، «یکی از وسائل حفاظتی شهرها در هجوم دشمن خندق بود که به‌دور شهر حفر کرده، در آن آب می‌بستند و یکی از آن‌ها خندق‌ها



تصویر ۱. تطبیق محل قرارگیری دروازه‌های هر دو حصار، برگرفته از نقشه‌ی کرشیش (حصارطهماسبی) و عبدالغفار (حصارناصری). (طرح از نگارندگان)

گوشه از آن رفت و آمد به شهر صورت می‌گرفت. «پولاک»^{۱۳} در این مورد می‌نویسد، «حصارهای شهر را چنان آب برده‌است که بعضی‌ها در خفا به‌راحتی از آن می‌گذرند. دروازه‌ها بسیار مستحکم‌اند، اما باز شدن این دروازه‌ها و گردیدن درها به‌روی پاشنه چنان به‌سختی و نامطمئن صورت می‌پذیرد که درهم شکستن و فروریختن آن کار نادر و مشکلی نیست؛ چنان‌که در طول اقامت من دو بار این امر رخ داد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۶۳).

با توجه به‌وضعیت تهران در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، تحولات عمیقی در تمامی نقاط شهر صورت گرفت، چنان‌چه با پادشاهی دراز مدت او و در پی این دگرگونی‌ها، معماری و دیگر هنرهای وابسته به آن نیز بسیار رونق یافت (قبادیان، ۱۳۸۵). در این دوران عوامل متعددی بر توسعه‌ی شهر تأثیرگذار بود که رشد جمعیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل تحول و گسترش فضای شهری تهران دانست. «از جمله دلایلی که دولت تصمیم به ساختن حصار جدیدی گرفت، آن بود تا افرادی را که خارج از دیوار شهر زندگی می‌کردند در بر بگیرد» (اتحادیه، ۱۳۷۴: ۱۵۰). در این دوره طرح‌های نوسازی در تهران به اجرا درآمد و در پی آن تمام برج و باروها و استحکامات دفاعی موجود تخریب و هم‌چنین خندق‌های عمیق شهر پر شدند. «اعتمادالسلطنه»^{۱۴} در این باره می‌نویسد: چون جمعیت و آبادی تهران نهایت رو به ازدیاد نهاده و شهر گنجایش چنین جمعیتی را نداشت مقرر فرمودند، که شهر را از سمت دروازه شمیران و از سه طرف دیگر، وسعت دهند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸). هم‌زمان با آغاز ساخت‌وساز حصار جدید در تهران، این شهر «دارالخلافه ناصری» نامیده شد. بدین‌صورت در دوره‌ی ناصری، تهران بزرگ‌تر شد و به‌وسیله‌ی خندقی از اراضی اطراف جدا گردید، که تنها ارتباط آن با خارج شهر، به‌وسیله‌ی ۱۲ دروازه به نام‌های دروازه دولت، شمیران، یوسف‌آباد، باغ‌شاه، قزوین، گمرک، خانی‌آباد، غار، شاه‌عظیم، خراسان، دولاب و دوشان‌تپه میسر می‌شد (تصویر ۱).

کارکرد دروازه‌ها

از گذشته‌های دور حصارها، همواره جهت محافظت از شهر احداث می‌شده‌اند، در دوره‌ی صفویه نیز حصار طهماسبی بیش‌تر با رویکرد حفاظتی و در جهت حراست از شهر تهران و به‌صورت کاملاً ساده ساخته شده بود. «کرپورتر»^{۱۵} جهانگرد و

13. Jakob Eduard Polak

۱۴. محمدحسن خان مقدم مراغه‌ای، ملقب به صنیع‌الدوله و سپس اعتمادالسلطنه، از رجال دربار ناصرالدین شاه است.

15. Robert Ker Porter

قاجار با تزئینات فراوان و دارای ویژگی‌های اجرایی نظیر: نماسازی انحنایی، پیرنشین و سکو، گلدسته‌های ظریف و طاق‌نماسازی باشکوه و نیز دهانه‌ی ورود و خروج انسان، کالسکه و گاری، بوده است. هریک از این دروازه‌ها، طرحی ویژه داشته‌اند، اما به‌طورکلی به شیوه‌ی معماری سنتی ایران، با آمیزه‌ای از کاشی و آجر، آذین شده بودند. به‌طورکلی کاشی‌های هفت‌رنگ و الوان با نقوشی همچون، شیر و خورشید، نبرد رستم و دیو سپید، نبرد شیر و اژدها، رستم و سهراب و سایر نقوش، از جمله تزئیناتی بود، که در زمینه‌ی خاکی آجرها می‌درخشید و جلوه‌ای زیبا و شکوهمند به این بناها می‌بخشید. «ارنست اورسل»^{۱۹} در مورد حصار جدید و دروازه‌های آن می‌نویسد: «گویا نقشه‌ی آن از روی استحکامات شهر پاریس اقتباس شده است. این حصار دوازده دروازه دارد که همه آن‌ها کاملاً شبیه به دروازه شهر قزوین است» (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۲۴). در کتاب «در سرزمین آفتاب»^{۲۰} در مورد دروازه شهر قزوین چنین آمده، که تمام قسمت بیرونی آن با کاشی‌های لعابی رنگینی پوشانده شده است؛ چنان‌که این کاشی‌ها از فاصله‌ی دور نیز به‌شکل باشکوهی می‌درخشند. در نیم‌دایره‌ی بالای دروازه، تصاویری از شاهنامه‌ی فردوسی نقش گردیده، که رستم قهرمان ملی ایرانیان را در حال نبرد با دیوان کریم‌المنظر به نمایش می‌گذارد (بروگش، ۱۳۷۴).

در اغلب سفرنامه‌هایی که در دوره‌ی قاجار نگاشته شده، نقوش به‌کار رفته در دروازه‌های ایران، خصوصاً شهر تهران به‌عنوان پایتخت، توصیف گردیده است. حصار شهری شامل «دوازده دروازه‌ای است که هر کدام بالاخانه‌ای نیز دارند، که با کاشی‌های رنگین تزئین شده‌اند» (سرنا، ۱۳۶۲: ۵۵). در این دروازه‌ها از تزئینات فراوانی استفاده شده بود که بخش اعظم آن به هنر کاشی‌کاری اختصاص داشت و غالب نقوش به‌کار رفته در آن‌ها نیز همانند سایر بناهای دوره‌ی قاجار برگرفته از ادبیات ایران خصوصاً شاهنامه است. این کاشی‌نگاره‌ها با تصاویری از پهلوانان باستانی ایران مانند رستم، گیو، گودرز و صحنه‌های نبرد رستم و سهراب، رستم و افراسیاب، رستم و اشکبوس، رستم و دیو سفید و امثال این‌ها زینت یافته بود (شهری، ۱۳۷۱).

این بناها اغلب به‌نام جاده و خیابانی که، پیش‌رو یا پشت آن واقع بود؛ نامیده می‌شدند. اگرچه امروزه، ساختمان این دروازه‌ها از بین رفته، ولی هم‌چنان نام آن‌ها در اذهان مردم باقی است. غیر از دروازه‌های حصار ناصری دروازه‌های دیگری نیز در

دور شهر تهران بود؛ که آن را در توسعه‌ی شهر و دروازه‌سازی‌های زمان ناصرالدین‌شاه ساخته بودند. خندق‌هایی که نه هرگز در آن‌ها آب افتاده، و نه به واسطه‌ی شیب داشتن آبگیر شده، نه می‌توانست مورد مدافعه واقع شود» (شهری، ۱۳۷۱: ۹۳). «مادام کارلاسرنا»^{۱۶} نیز در مورد دروازه‌های ناصری می‌نویسد: «آن‌ها بیش‌تر دروازه‌هایی با جنبه‌ی تشریفاتی به‌نظر می‌رسیدند تا واقعی» (سرنا، ۱۳۶۲: ۴۰).

به‌نظر می‌رسد دروازه‌های ناصری، به‌عنوان محل رفت و آمد مردم و تنها به‌منظور بازرسی و نظارت بر تردد کاروان‌ها و مسافران ساخته شده بود. چنان‌چه از این دوران دفاتری به‌نام «کتابچه‌ی روزانه دروازه‌های دارالخلافه الباهره تهران» به‌جامانده است؛ که در آن‌ها نام کسانی که به شهر آمده یا از آن خارج شده‌اند، به‌همراه شغل هرکس و مقصود او از ورود و خروج یادداشت شده است. این دفاتر افزون بر نام ترددکنندگان، آمار واردات کالاهای روزمره را نیز ثبت می‌کردند (رضوانی، ۱۳۷۰). کالاهای بسیاری در بازار تهران، داد و ستد می‌شده، که بیش‌تر این کالاها از همین دروازه‌ها وارد می‌شدند. اطلاعات این دفاتر در اختیار نظمیة نیز قرار می‌گرفت، چنان‌که «اداره‌ی جلیله‌ی نظمیة باید از عده‌ی نفوس وارده و قصد ورود آن‌ها بدین شهر کاملاً مستحضر و مطلع باشد» (سیفی‌فمی‌تفرشی، ۱۳۶۲: ۶۰). یکی دیگر از کارکردهای دروازه‌های تهران دریافت باج از کالاهایی بود که به‌شهر می‌رسید؛ به‌طوری‌که «کرزن»^{۱۷} در این‌باره می‌نویسد: «فایده‌ی عمده‌ی آن‌ها تسهیل کار وصول مالیات نواقل^{۱۸} است» (کرزن، ۱۳۸۰: ۴۰۷). دروازه‌بانان، وظیفه داشتند از کاروان‌ها و کسانی که بار حمل می‌کردند، مالیات دریافت کرده و افزون بر این در دفاتر آمار، آذوقه‌ای که به تهران وارد می‌شد، را به‌دقت ثبت نمایند. «ازیرا قحطی‌های پی‌درپی دولت ناصری را از شورش مردم ترسانده بود و از همین‌رو نان پایتخت همواره می‌بایست فراهم می‌بود» (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۲۳۴). هم‌چنین در این دوران «وظایف دروازه‌بانان، دریافت عوارض از بار و مرکب مسافران بود که از مشاغل پُر درآمد دستگاه دولت به‌شمار می‌آمد» (شهری، ۱۳۷۱: ۱۹). این امر ساخت چنین حصاری را توجیه می‌نمود، زیرا مالیات دریافتی از این دروازه‌ها بسیار درخور توجه بوده است.

تزئینات دروازه‌های پایتخت

دروازه‌های جدید (حصار ناصری) نمونه‌ی عالی از معماری

19. Ernest Orsolle

20. Im Lande der Sonne: Wanderungen in Persien

16. Madame carla serena

17. George Curzon

۱۸. وسیله‌ای که کسی یا چیزی را از جانی به جانی برد (معین، ذیل واژه).

و خوشبختانه از انجام چنین منظوری خودداری شد و کاشی‌ها به انبار موزه‌ی ایران باستان منتقل گردید (مصطفوی، ۱۳۶۱). تنها تصاویر موجود از این کاشی‌نگارها در مجموعه مقالات در زمینه‌ی باستان‌شناسی چاپ گردیده، که با وجود پیگیری‌های فراوان، محل کنونی نگهداری آن نامشخص است.

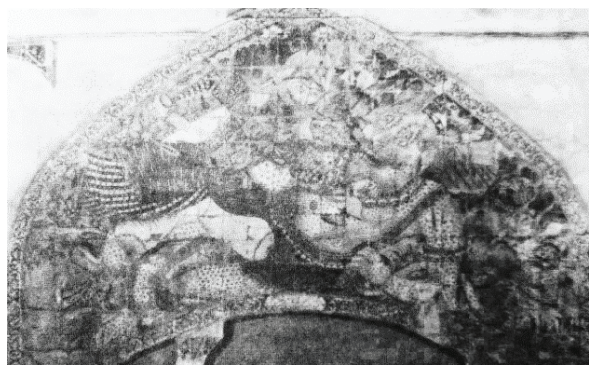
- دروازه دولت: قبل از ساخت حصار ناصری، و در زمان اشغال



تصویر ۲. دروازه نو. (تهرانی شفق، ۱۳۸۹: ۳۳۰)



تصویر ۳. دروازه نو، (سال ۱۳۹۶). نگارندگان



تصویر ۴. نبرد رستم و دیو، دروازه نو. (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۴۱۴)

داخل، یعنی در مرکز شهر، وجود داشت که حدود ارگ شاهی، عمارات شاهی و کاخ‌های سلطنتی را از شهر مجزا می‌کرد (شهری، ۱۳۷۱). برای نمونه دروازه‌هایی که در دوره‌ی ناصری پیرامون «میدان توپخانه» و جهت ورود و خروج به آن ساخته بودند در شمار همین دروازه‌های درون شهری بود. «دروازه توپخانه و دروازه ناصرالدین - که مدخل خیابان شمس‌العماره و موازی با خیابان الماسیه است - دو نمونه‌ی بسیار زیبا از معماری جدید ایران به‌شمار می‌رود. این دروازه‌ها مرکب از سه طاق مرتفع است که در بالای آن‌ها مناره‌هایی باریک و کشیده قرار دارد. تزئینات خارجی بنا عبارت است از تصاویر گل‌ها، میوه‌ها، سربازان، سوارکاران و حیوانات که با رنگ‌های بسیار تند، که در زمینه‌ی سفید نقاشی شده است» (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۲۶).

مصطفوی نیز در این مورد می‌نویسد: «سردر باب‌همایون دروازه شمالی ارگ بود. دو سردر دیگر هم یکی در شرق خیابان معروف به در اندرون، مشرف به خیابان ناصریه و دیگری در مغرب خیابان جلیل‌آباد (خیابان فعلی خیام) قرار داشت» (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۵۹۰). از میان دروازه‌های یاد شده آن‌هایی که تصاویر روایی دارند به‌شرح زیر آورده شده‌اند.

- دروازه نو یا محمدیه: این دروازه یکی از شش دروازه حصار طهماسبی است؛ که آن را می‌توان اولین دروازه ساخته شده در زمان قاجار در حصار قدیمی تهران به‌شمار آورد (تصویر ۲). با وجود آن‌که این دروازه در جنوبی‌ترین بخش تهران واقع است دارای تزئیناتی چشم‌گیر و درخور توجه‌ای بوده است. «محل‌های محمدیه، پای قاپوق و میدان اعدام فعلی و محله‌ی عباس‌آباد در جنوب‌غربی شهر تهران از مستحدثات محمدشاه قاجار و «حاجی میرزا آقاسی»^{۲۱} است که دروازه محمدیه یا دروازه نو یا دروازه غار قدیم توأم با آن احداث گردیده و این دروازه با مناره‌های کوچک کاشی فیروزه فام هنوز به‌صورت نیمه ویرانه باقی می‌باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۴۱۳).

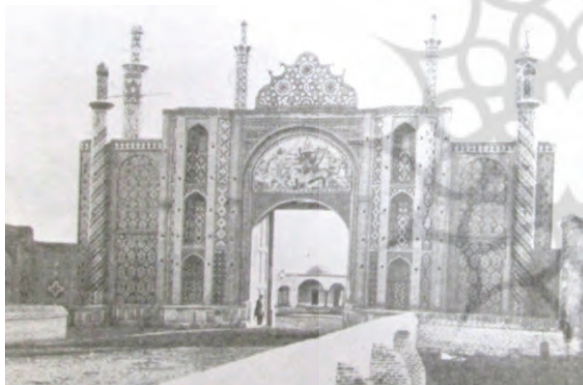
این دروازه کمی بالاتر از میدان محمدیه (اعدام سابق) و در ابتدای خیابان خیام هم‌چنان پابرجاست (تصویر ۳). در حاشیه‌ی زیرین خشت‌های کاشی و بر سینه‌ی بخش بالای دروازه، نقش نبرد رستم و دیو سفید نصب گردیده بود، که نام کاشی‌کار آن «استاد محمدقلی کاشی‌پز شیرازی»، و سنه (۱۲۶۳ ه.ق) روی آن نوشته شده است (تصاویر ۴ و ۵). کاشی فوق را به هنگام ساختن ورزشگاه امجدیه به‌منظور نصب بر جبهه‌ی آن از محل خود برداشته

۲۱. عباس بیات ایروانی معروف به حاجی میرزا آقاسی (۱۲۲۸-۱۱۶۲ ه.ش)، صدراعظم محمدشاه قاجار بوده است.

دیو سفید رسم کرده بودند قرار داشت این صحنه از داستان‌های شاهنامه نشان مخصوص سردر اغلب حمام‌های ایران است» (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۳۴). طبق آنچه در توصیف این دروازه آمده:



تصویر ۵. نمایی دیگر از دروازه نو. (ذکاء و سمسار، ۱۳۶۹: ۶۱).



تصویر ۶. نمای دروازه دولت (سال ۱۲۷۳). (ابریشمی، ۱۳۸۹: ۳۶)



تصویر ۷. نبرد رستم و سهراب، در سردر دروازه دولت تهران. (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۴۱۴)

ایران توسط افغان‌ها دروازه‌ای جدیدی در شمال ارگ سلطنتی (شمال شهر)، درست در مدخل خیابان باب‌همایون امروزی، به نام «دروازه اسدالدوله» ساخته شد. این دروازه شمالی تادورهی محمّدشاه قاجار به همین نام بود، اما در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و با گسترش باروی شهر، به «دروازه دولت» تغییر نام یافت و محل آن نیز به محل تلاقی خیابان سعدی و انقلاب منتقل شد (تصویر ۶). هم‌چنین این دروازه، به خیابان دروازه دولت گشوده می‌شد که در اوایل دوره‌ی قاجار چندان محله مهمی به‌شمار نمی‌آمد، اما با گسترش بافت شهری در دوره‌ی ناصری به این محله بیش‌تر توجه گردید. «اورسل»، که در سال (۱۳۰۰ هـ.ق) خیابان دولت را دیده بود، درباره‌ی آن نوشته است: «خیابان دولت، خیابان درازی است منتهی به میدان توپخانه، این خیابان خوب سنگ‌فرش شده و در طول جویباری که در دو طرف خیابان جاری است درختان فراوانی کاشته بودند. اروپاییان خیابان دولت را کوی نمایندگان خارجی می‌نامند» (اورسل، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

آنچه از تصاویر این دروازه استنباط می‌شود نشان‌گر آن است که بر بالای آن، سنتوری مطبق مانندی، مزین به کاشی هفت‌رنگ، قرار داشته که در قاب نیم‌دایره‌ی بالای درگاه، نگاره‌ای رزمی جاگذاری شده است. این نگاره نمایش دهنده‌ی نبرد رستم و سهراب و از نمونه کاشی‌نگاره‌های رایج در دوره‌ی قاجار است (تصویر ۷). در مورد این بنا آمده که، دروازه دارای کاشی کاری هفت‌رنگ از روایات شاهنامه است و در دروازه دولت صحنه‌ی نبرد رستم و سهراب نقش شده است (ریاضی، ۱۳۹۵). این دروازه در دوره‌ی پهلوی و به‌هنگام گسترش خیابان تخریب گردید. به‌گفته‌ی «مصطفوی» کاشی‌نگاره نبرد رستم و سهراب نیز به موزه ایران باستان سپرده شده است (مصطفوی، ۱۳۶۱)، اما امروزه محل نگهداری این کاشی‌نگاره نیز همانند نمونه‌ی پیشین نامشخص است.

دروازه شمیران: دروازه قدیم طهماسبی، درست اول پامنار و دروازه شمیران جدید نیز در جنوب پل چوبی در میدان ابن‌سینای کنونی قرار داشته است (تصویر ۸). این دروازه طبق نقشه قدیمی از تهران (تصویر ۱) در دیوار باروی شمالی شهر و شرقی‌ترین دروازه شمالی قلمداد می‌شد. «اورسل» در سفرنامه‌اش درباره این خیابان و دروازه می‌نویسد: «اروپاییان خیابان شمیران را کوی گاز نیز می‌نامند، زیرا در این خیابان بود که کارخانه‌ی «آقای بوتال»^{۲۲} با سردر بد قواره‌اش درست روبه‌روی در بزرگ بیضی شکلی که تصویر رستم در حال غلبه بر

۲۲. امتیاز راه‌آهن ایران توسط یک مهندس فرانسوی به نام مسیو بوتال به نمایندگی یک شرکت بلژیکی از ناصرالدین‌شاه گرفته شد.



تصویر ۹. سردر درب سعادت. (سمسار و سرائیان، ۱۳۸۶: ۷۵)



تصویر ۱۰. نبرد رستم و دیو سفید بر سردر سعادت. (سیف، ۱۳۷۶: ۱۶۰)

در کاشی‌نگاره‌های این بنا نیز صحنه‌ای از داستان شاهنامه نقش بسته، که متأسفانه امروزه اثری از آن نیست.

– سردر سعادت: از جمله دروازه‌های داخلی سردر بزرگی به نام «درب سعادت» بوده، که در گوشه‌ی شرقی و جنب شمالی میدان ارگ قرار داشته است. به‌طور کلی این سردر در میان ضلع شمالی میدان ارگ، و درست روبه‌رو و قرینه‌ی «سردر نقاره‌خانه» واقع شده، که اساس ساختمان آن مربوط به زمان فتحعلی‌شاه بوده، و در سال‌های بعد نیز تغییراتی در آن به‌وجود آمده است. طاق و طاق‌نماهای بزرگ و کوچکی مزین به مقرنس در طبقه زیرین این بنا جانمایی شده و اطراف لچکی طاق‌های آن مزین به کاشی‌های رنگارنگی بوده است. دیوارهای پشت سردر در سمت حیاط تخت مرمر در کاخ گلستان (تصویر ۹)، با کاشی‌های الوان و تصویری از پیکار رستم و دیو سفید، (تصویر ۱۰) تزئین شده بود. سال (۱۳۰۹ ه.ش) هنگامی که این سردر را منهدم ساختند، اداره «بیوتات»^{۲۳} سلطنتی، این کاشی‌ها را نگهداری نمود و در سال (۱۳۴۱ ه.ش)، هنگام ساخت ورزشگاه «امجدیه» آن‌ها را در قسمت فوقانی دیوار مدخل ورزشگاه نصب کردند. البته در سال‌های اخیر آن بنا را نیز به‌شکل دیگری درآورده و همان کاشی‌ها را در دیوار داخلی سراسرای جایگاه مخصوص نصب نمودند. این کاشی‌ها دارای رقم «محمدعلی شیرازی» و به‌تاریخ (۱۲۷۳ ه.ق) است (سمسار و سرائیان، ۱۳۸۶).

– سردر دروازه ناصری: دروازه ناصرالدین یا ناصری یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین دروازه‌های شهری به‌شمار می‌آمده است (تصویر ۱۱). این دروازه در ابتدای خیابان «ناصرخسرو»



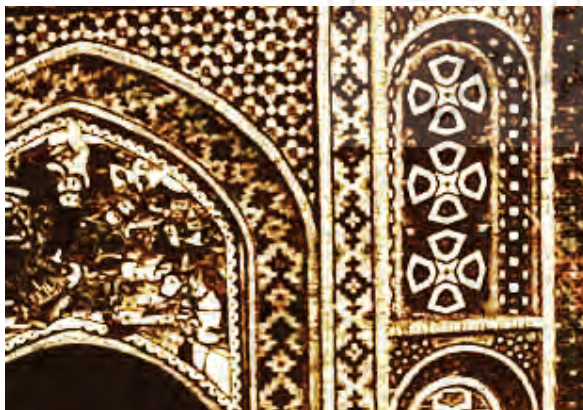
تصویر ۸. نمای از دروازه شمیران. (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۴۲۰)

^{۲۳}. بیوتات سلطنتی سازمان‌هایی برای اداره و خدمات گوناگون به دستگاه سلطنت بوده‌اند که در دوران صفویه، رواج یافت. بسیاری از این بیوتات مربوط به امور خانه بود، همچون مطبخ‌خانه و ایامی‌خانه و بعضی از نوع کارخانه‌های دولتی امروز بود مانند ضربخانه و قورخانه.

در وصف آن آمده؛ در میان کلیه ویلاهای سلطنتی از همه عجیب‌تر، ویلای دوشان‌تپه بود (سرنا، ۱۳۶۲). «فوریه»^{۲۶} پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه نیز در یادداشت‌های روزانه خود در مورد این باغ می‌نویسد: «عمارت دوشان‌تپه در کنار بیابان بر روی تپه مجزایی ساخته شده و از جاده به آن‌جا دو راه هست، یکی از گوشه غربی که سر آن باز است؛ دیگری از ضلع جنوبی که از همان ابتدا دو قسمت می‌شود و دو طرف آن را دیوار کشیده و بر روی آن‌ها نقش‌هایی تصویر کردند» (فوریه، ۱۳۶۶: ۲۴۶). در دوره ناصرالدین‌شاه این مکان شکارگاه و عمارت شاه بوده و به‌نظر می‌رسد دروازه دوشان‌تپه نیز برای سهولت رفت و آمد شاه به این تفرجگاه تأسیس شده



تصویر ۱۱. دروازه ناصریه. دایره‌ها نشان‌دهنده وجود کاشی کاری با نقوش روایی. (ابریشمی، ۱۳۸۹: ۴۸)



تصویر ۱۲. نبرد رستم، سردر ناصریه. (سمسار و سرائیان، ۱۳۸۶: ۱۱۶)

و در ضلع جنوب‌شرقی میدان «سپه» در مقابل ساختمان تلگرافخانه واقع بود (شهری، ۱۳۷۱). «اعتمادالسلطنه» در مورد این بنا می‌نویسد: ساخت دروازه ناصریه در انتهای خیابان ناصریه مصادف با تاریخ احداث عمارت شمس‌العماره و مربوط به سال بیست و یکم از جلوس ناصرالدین‌شاه است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴). «بروگشن»^{۲۴} نیز در مورد این خیابان می‌نویسد: خیابان ناصریه، قسمت نوساز شهری را به بافت قدیمی شهر، (یعنی میدان توپخانه را به محله‌ی بازار) متصل می‌کند. سرتاسر خیابان ناصریه تا مدخل بازار، کاملاً تمیز و پاکیزه است و به محله‌های تجاری شهرهای جنوب اروپا شباهت دارد (بروگش، ۱۳۷۴).

به‌گفته سیاحان این دروازه نیز مزین به کاشی‌نگاره‌های زیبایی با تصاویری از رستم قهرمان ایرانی است، چنان‌که «تعداد زیادی از نقاشی‌های قدیمی و طرح‌های مختلف، او را در حال پیروزی بر دیوسپید نشان می‌دهند. در این حالت او ژرژ مقدس را به یاد آدم می‌آورد. تصویر او را در تهران بر بالای دروازه ناصریه نیز می‌توان دید که روی کاشی، هیکل عظیم و ریش بلند قرمز او را، که سخت باب روز است، با گرز و زره‌اش نشان داده‌اند» (سرنا، ۱۳۶۲: ۵۳). با توجه به آنچه در وصف این دروازه آمده است؛ می‌توان گفت، در (تصویر ۱۱) سه قسمت نشان داده شده مزین به تصاویری از نبردهای رستم و داستان‌های کهن ایران زمین است که در (تصویر ۱۲) می‌توان یکی از این نمونه‌ها را مشاهده نمود. متأسفانه جزئیات دو تصویر دیگر به خوبی نمایان نیست و دقیقاً نمی‌توان مضمون آن‌ها را مشخص نمود.

- سردر باغ دوشان‌تپه: در مورد ساخت بنا و باغ «دوشان‌تپه»^{۲۵} آمده است، «ابداع عمارت و ابنیه و باغ دوشان‌تپه در سنه هزار و دو بیست و شصت و نه، سال ششم جلوس ناصرالدین‌شاه قاجار بوده» (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶: ق ۱۵). این باغ در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه زیر نظر اعتمادالسلطنه (یکی از رجال دربار) قرار داشته و او در وصف آن می‌نویسد، باغ و عمارت دوشان‌تپه در شرق تهران واقع بود، که در اوایل حکومت ناصرالدین‌شاه ساخته شد. این باغ و عمارت داخل آن در سال (۱۲۶۹ هـ.ق) و به‌دستور ناصرالدین‌شاه بر فراز تپه‌های دوشان‌تپه، ساخته شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴). اغلب سیاحان این باغ را در زمره زیباترین باغ‌های شاهان قاجار برشمرده‌اند، به‌طوری‌که

24. Heinrich Karl Brugsch

۲۵. دوشان به ترکی به معنای خرگوش است؛ و چون در این تپه خرگوش زیاد دیده می‌شد آن را دوشان‌تپه نامیده‌اند.

به طور کلی دروازه‌های شهر مکان‌های نمادینی بوده‌اند، که جلوه‌ها و ویژگی‌های خاص هر شهر را به نمایش می‌گذاشتند. «دروازه در گذشته شاهدی بر وضعیت اجتماعی شهر به شمار می‌آمده» (فون مایس، ۱۳۸۳: ۱۸۲)، که می‌توانست از طریق المان‌ها و نمادهای گوناگون، فرهنگ و سنت جامعه را نمایندگی کند. پژوهشگران معتقدند: آستانه می‌تواند یک حوزه کالبدی، جهت نمایش ارزش‌های خاص فردی یا گروهی باشد (McGlynn, Smith, Alcock & Murrain, 1985).

در گذشته دروازه‌های شهری به عنوان مکانی برای عبور و گذار مردم بوده، از این رو می‌توان گفت: روزانه افراد زیادی با گذر از این بناها، با ساختمان دروازه و تزئینات به کار رفته در آن ارتباط بصری برقرار کرده و همین امر موجب نهادینه شدن نقوش و تصاویر موجود در خاطره‌ی تصویربرداری مردم می‌شده است. «توسلی» در مورد کارکرد این بناها می‌نویسد، «دروازه‌ها نقشی همچون: نقش ارتباطی، دفاعی و امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، یادمانی و بصری داشته‌اند» (توسلی، ۱۳۷۶: ۶۹). با توجه به این ویژگی‌ها نمی‌توان از نقش بصری و یادمانی این دروازه‌ها به سادگی گذر کرد، زیرا این ویژگی می‌تواند با گذشت زمان نیز در خاطره‌ی افراد برجای بماند که امری مهم و درخور توجه است. عموماً عناصر تزئینی به کار رفته در کلیه‌ی بناها برگرفته و بازتاب‌دهنده‌ی علایق فردی و اجتماعی و هم‌چنین سنت‌های جامعه محسوب می‌شود. کاربرد نقش و نگاره‌ها در تاریخ ایران نیز همواره بر پایه‌ی بینش آگاهانه در جهت ترویج پیامی به جامعه شکل گرفته است. «زندگی ایرانیان از سپیده دم حیات اجتماعی آنان با جلوه‌هایی از هنر آمیخته بوده است. هنر تصویرگری در آغاز در میان توده‌ی مردم آشکار گردید و بعد در میان مردم گروه خاصه راه یافت. مردم هر آن‌چه را که می‌ساختند بنا بر ذهن آرمان‌گرای خود با نقش و نگارهایی رمزگونه آرایه‌بندی می‌کردند» (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۷). سردرهای ناصری نیز به عنوان بخشی از ساختمان‌ها با معماری و تزئینات زیبا مزین به نمادها و اسطوره‌هایی است که از دیدگاه «یونگ»^{۲۷} این نمادها ریشه در باورها و اعتقادات مردم دارد (یونگ، ۱۳۷۷)، و بیان‌گر شیوه‌ی تفکر، اعتقادات و شرایط اجتماعی در یک دوره تاریخی است. این تصاویر با قابلیت پیام‌رسانی، به صورت آشکار و نهان مفاهیمی را به مخاطب منتقل می‌نمایند که اهمیت آن را دو چندان می‌کند. «گفتمان نقوش به کار رفته در تزئینات هر سردر را می‌توان همچون پیامی از سوی سازنده یا کارفرمای آن محسوب

است. در سردر ورودی این باغ کاشی‌نگاره‌ای نه چندان واضح از صحنه‌ی شکار نصب شده که این تصویر کاملاً با کاربری بنا مطابقت دارد (تصاویر ۱۳ و ۱۴).

بررسی و تحلیل کاشی‌نگاره‌ها

با تمرکز قدرت قاجارها در تهران، این شهر اهمیت ویژه‌ای یافت و شکل تازه‌ای به خود گرفت. به طوری که تهران را می‌توان به عنوان مهم‌ترین مرکز سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری در این دوره‌ی تاریخی قلمداد نمود. همین امر به رواج ساخت و ساز و احداث بناهای منحصر به فرد و ممتازی در این شهر انجامید، که از میان آن‌ها می‌توان به دروازه‌های ساخته شده در عهد ناصری اشاره کرد، که امروزه تنها جز تعدادی تصویر، اثری از آن‌ها بر جای نمانده است.








تصویر ۱۳. سردر باغ دوشان تپه.
(سمسار و سرائیان، ۱۳۸۶: ۱۸۷)



تصویر ۱۴. تصویر شکار بر سردر باغ دوشان تپه.
(سمسار و سرائیان، ۱۳۸۶: ۱۸۷)

جدول ۱. انواع مضامین ادبی به کار رفته در کاشی نگاره‌های دروازه‌ها و سردرهای شهر تهران. نگارندگان

مضامین ادبی به کار رفته در کاشی نگاره‌ها									تصویر	نام بنا	ردیف							
انواع مضامین							اساطیری	پهلوانی				مذهبی	تاریخی	عرفانی	غنائی	عاشقانه	تعلیمی	نمایشی
*	*	-	-	-	-	*	*			دروازه محمدیه	۱							
*	*	-	-	-	-	*	*			دروازه دولت	۲							
*	*	-	-	-	-	*	*	فاقد تصویر		دروازه شمیران	۳							
*	*	-	-	-	-	*	*			سردر سعادت	۴							
*	*	-	-	-	-	*	*			سردر دروازه ناصری	۵							
-	-	-	-	-	-	-	-			سردر باغ دوشان تپه	۶							

و متناوباً در معرض دیدار افراد مختلف قرار می‌گیرد که این امر بر تأثیر آن‌ها بر ذهن نقش بسزایی دارد.

به نظر می‌رسد، این تصاویر اطلاعات دیگری همچون نشان‌دادن وضعیت هنری ایران و یا تاریخ این سرزمین را به بیننده القا می‌کنند. به طوری که «بروگش» در وصف این تصاویر می‌نویسد: با گردش در بازار و خیابان‌های ایران می‌توان با آثار نقاشان معاصر آشنا گردید. نقش‌هایی که معمولاً در تقاطع خیابان‌ها و بر روی دیوار نقش بسته‌اند و از ابعاد بزرگی برخوردارند. موضوع این نقاشی‌ها غالباً مربوط به اساطیر باستانی یا افسانه‌های ملی ایران زمین است. با وجودی که طرح‌های این تابلوها عاری از نقص نیست، اما به خوبی قدرت تخیل و خلاقیت هنری نقاشانی ناشناس را به نمایش می‌گذارد، که این امر هر بیننده‌ای را به شگفتی وا می‌دارد. رستم و سایر پهلوانان شاهنامه، جمشید پادشاه اساطیری ایران، دیوهای زشت و کریه‌المنظر و نیز هیولای عجیب و غریبی که دم و شاخ دارد، در این آثار به وفور به نمایش درآمده است. هم‌چنین مضامینی مربوط به تاریخ معاصر، همچون نبرد سواران ایرانی با سپاهیان سایر سرزمین‌ها از جمله سوژه‌هایی به‌شمار می‌روند که نقاشان معاصر تمایل بسیاری به تصویر کردنشان دارند (بروگش، ۱۳۷۴). در جدول زیر مضامین به‌کار رفته در کاشی‌نگاره‌های موجود در دروازه‌ها و سردرهای شهر تهران به تفکیک مشخص گردیده است (جدول ۱).

نگاره‌های اساطیری و پهلوانی کار شده در این بناها، مانند جنگ رستم با دیو سفید، که بر فراز برخی از دروازه‌های تهران تصویر شده بود، غالباً بیانی نمادین از کارکرد دروازه‌ها بوده، چنان‌چه نقش رستم به‌عنوان نماد قهرمانی و مدافع ایران زمین از این دروازه‌ها در برابر دشمنان محافظت و پاسداری می‌نماید. هم‌چنین این نگاره‌ها ارتباط تنگاتنگی با نوع کارکرد بنا نیز دارند به طوری که در سردر باغ دوشان‌تپه تصاویر شکار متناسب با کارکرد آن نقش شده و فاقد هر نوع مضمون ادبی است. کاربرد این تصاویر همواره می‌تواند علاوه بر نقش کارکردی و تزئینی، القاکننده پیام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خاصی نیز باشد. چنان‌چه «جنورگی کپس»^{۲۸} معتقد است یادگیری و فهم زبان پیچیده و نسبتاً مشکل است، در حالی که تصویر صریح و ساده است و با سرعت، بسیاری از اندیشه‌ها را به دیگران منتقل می‌کند (کپس، ۱۳۶۸). از این رو نگاره‌های موجود، یکی از ابزار پیام‌رسانی و بیان هنری محسوب می‌شدند که با توجه به مکان

کرد و آن را خواند و فهمید» (افرادی، ۱۳۹۵: ۳۳). با توجه به ویژگی‌های موجود در این‌گونه بناها می‌توان گفت، یکی از عناصر کالبدی در ساختار شهر، به‌منظور تقویت کیفیت نمادین و هویت آن، دروازه‌ها بوده‌اند. «دروازه شهر قدیم به‌عنوان یک نشانه شهری در شبکه نمادین شهر که از عناصر اصلی ساختار شهر است می‌تواند مطرح شود» (شعله، ۱۳۸۵: ۱۹).

باید توجه داشت که تصاویر نقش مهمی در شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های بشر ایفا می‌نماید، به طوری که «یک تصویر می‌تواند هم‌چون نوشته‌ای، حامل اطلاعاتی باشد؛ که البته این خود بخش مهمی از زندگی و آموزش ما را تشکیل می‌دهد» (بترز، ۱۳۷۰: ۲۳). چنان‌چه تصاویر در مدت زمانی طولانی‌تر و به‌صورت مکرر و متناوب در معرض دید قرار گیرند این تأثیرگذاری دوچندان می‌گردد. به‌طورکلی در مورد تصاویر به‌کار رفته بر روی کاشی‌نگاره‌های دروازه‌های دوره‌ی قاجار می‌توان گفت: اغلب این کاشی‌ها به‌صورت تصویری و نیز برگرفته از تاریخ و ادبیات ایران زمین است. داستان‌ها و روایات شاهنامه از پرکاربردترین تصاویر و مضامین به‌کار رفته در این کاشی‌نگاره‌ها می‌باشند. آنچه فردوسی در مورد قهرمانان اساطیری در شاهنامه به‌تصویر کشیده است، انعکاس آمال ملی ما ایرانیان و بازتاب زندگی تمام انسان‌ها در طول اعصار است. در برخورد با داستان‌های شاهنامه فقط به ظاهر آن‌ها نمی‌توان بسنده کرد، هر داستانی در بر گیرنده مفاهیم اخلاقی بسیار غنی است. «شاهکار فردوسی، شاهنامه سرشار از نکات حکمی و تعالیم اخلاقی است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۷).

این دروازه‌ها نقش کاربری فراوانی نیز داشته‌اند، از این‌رو رفت و آمد بسیاری نیز در آن‌ها صورت می‌گرفت. «رضوانی» در مقاله‌ای خود تعداد ورود و خروج افراد مسافر و کسانانی که بار و کالا وارد می‌کردند، را طی یک روز بر طبق گزارش روزانه «کتابچه روزانه دروازه‌های دارالخلافه الباهرة تهران» نوشته است. بر طبق این گزارش حدود ۶۴ نفر پیاده و یا سواره برای زیارت و یا دیگر سفرها از شهر خارج و یا داخل شده‌اند؛ که برخی از این افراد که همگی با ذکر نام آورده شده‌اند از دروازه خارج و دوباره بازگشته‌اند. کالاهایی که توسط شتر و یا قاطر وارد یا خارج شده‌اند حدود ۹۷۳ بار می‌باشند، که افرادی نیز جدای مسافران با این بارها به پایتخت وارد شده و سپس دوباره برگشته‌اند. این اعداد فقط ورود و خروج روزانه‌ی اشخاص و کالاها را از دروازه‌ی شاه‌عبدالعظیم بیان می‌کند (رضوانی، ۱۳۷۰). می‌توان گفت: با تردد زیاد از این دروازه‌ها تصاویر بارها و بارها دیده شده

مضامین بر روی کاشی نگاره‌ها به جنبه‌ی تعلیمی آن نیز توجه خاصی داشته‌اند. از ویژگی‌های بارز نقاشی بر روی کاشی، ارتباطی است که این هنر با عامه‌ی مردم برقرار می‌نماید و به‌نظر می‌رسد، این ارتباط بیش‌تر از طریق مشاهده بوده است. دروازه‌ها و سردرها نیز با توجه به سطح بالای تردد و بیش‌ترین تماس دیداری با عامه‌ی مردم بهترین گزینه برای قرارگیری این کاشی‌نگاره‌ها به‌شمار می‌آمده‌اند.

هنرمند قاجاری با شناخت ارزش‌های فرهنگی انسان‌ساز و اخلاقی، از درون روایات و داستان‌های کهن ایران و کاربرد آن‌ها، تلاش دارد تا هنر و فرهنگ این سرزمین را در برابر هجوم بی‌امان، فرهنگ‌های قدرتمند برخاسته از پیشرفت صنعتی و روابط برون مرزی حفظ کند. بدین صورت کاشی‌های این دوره همچون تصاویر کتابی پُر نقش بر تن دیوارها نقش‌بسته و قصه‌ها، افسانه‌ها و روایات منظوم و منثور ادبیات فارسی را پیش‌روی مردم کوچه و بازار گشوده تا همگان از آن بهره‌برند. تصاویر علاوه بر زیبایی صرف می‌توانند نقش دیگری را نیز ایفا کنند؛ به کمک تصاویر می‌توان پیام‌های اخلاقی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی را به جامعه القا کرد. شاید بتوان گفت: نمود تصاویر روایی در کاشی، که از برجسته‌ترین نمودهای فرهنگی و ملی است و کاربرد آن در بناهای عمومی، در شناخت مردم از فرهنگ، ادب، تاریخ و هویت ایرانی بسیار مؤثر خواهد بود. به‌نظر می‌رسد، مشاهده این تصاویر در ارتقاء سطح شناخت و آگاهی افراد جامعه بی‌تأثیر نبوده؛ و امروزه نیز می‌توان از تصویرگری مضامین ادبیات غنی و فرهنگ اصیل ایران زمین بر سطوح شهری به‌عنوان امکانی زیبا و چشم‌نواز برای بیان موضوعات اجتماعی و نیز ترویج تاریخ، ادبیات و فرهنگ این مرز و بوم در هیاهوی دنیای معاصر بهره‌گرفت.

جای‌گیری آن (در معرض دید عموم) بسیار تأثیرگذار بوده است. هم‌چنین می‌توان گفت هنرمندان با بهره‌گیری از داستان‌های روایی، همه‌ی پندها، حکمت‌ها، فضایل و اخلاقیات موجود در روایات مختلف را بیان کرده؛ و از آن‌ها در خدمت بهبود و ارتقاء روابط اجتماعی، افکار انتقادی و آموزنده بهره‌برده‌اند. همین امر نشان‌دهنده نقش و تأثیر هنرمندان در مسیر بهبود آموزه‌های فرهنگی و اخلاقی در جامعه است. دیدن تصاویر در حافظه‌ی دیداری مردم اثر کرده و در ذهن آن‌ها نهادینه می‌شود، از سوی دیگر برقراری ارتباط بیش‌تر مردم با ادبیات و القای مفاهیم انسانی و اخلاقی موجود در این بستر تصویری، باعث شکل‌گیری بخشی از هویت جامعه می‌گردد، که با آگاهی از آن می‌توان به واقع به شناخت خویش‌تن دست یافت.

نتیجه‌گیری

دروازه‌ها و سردرهای تهران اگرچه در ابتدا جنبه‌ی دفاعی داشتند، اما کم‌کم این نقش را از دست داده و کارکردهای دیگری یافتند. این بناها همانند سایر سازه‌های دوره‌ی قاجار مملو از تزئینات معماری شامل نقوش نمادین، فرم‌ها و اشکال متنوع است که ریشه در اعتقادات جامعه دارد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید، بیش‌ترین مضامین به‌کار رفته در کاشی‌نگاره‌های این بناها برگرفته از تصاویر ادبی و روایی است که غالباً شامل داستان‌ها و روایات شاهنامه می‌شود. شاهنامه نه تنها یک اثر حماسی و ادبی بلکه آیینی تمام‌نمای حیات بشری و منبعی بسیار غنی از میراث مشترک ایرانیان است. شاهنامه را می‌توان گواه شکوه و رونق فرهنگ و تمدن ایرانی برشمرد. به‌نظر می‌رسد هر روایت و تصویری از آن دارای محتوا و گفتاری، درخور توجه و بررسی است و هنرمندان قاجاری با انتخاب این

منابع

- افرادی، کاظم. (۱۳۹۵). شناسایی وجه اشتراک پیام موجود در سردر هفت بنای عمومی دوره‌ی قاجار از طریق تحلیل گفتمان نقوش به‌کار رفته در آن‌ها، *فصلنامه علمی- پژوهشی نگره*؛ شماره ۳۷، ص ۴۸-۳۳.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره. (۱۳۷۴). رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری (۱۳۲۰-۱۲۶۹ق). *تحقیقات اسلامی*؛ شماره ۱ و ۲، ص ۱۷۳-۱۴۵.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره. (۱۳۷۷). *اینجا تهران است*. «مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق». تهران: نشر تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۸). *مرآت‌البلدان*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (جلد سوم)
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران (المآثر والآثار)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- اورسل، ارنست. (۱۳۸۲). *سفرنامه قفقاز و ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بترز، ری. (۱۳۷۰). *زبان نقاشی*. ترجمه داراب بهنام شباهنگ. تهران: چکامه.
- بروگش، هانریش. (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب: تصویری از ایران*

- فوریه، ژان باتیست. (۱۳۶۶). سه سال در دربار ایران. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: انتشارات پَر.
- فون مایس، پی.یر. (۱۳۸۳). نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان. ترجمه سیمون آیوازیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قبادیان، وحید. (۱۳۸۵). معماری دارالخلافه ناصری. تهران: پشتون.
- کپس، جنورگی. (۱۳۸۸). زبان تصویر. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: سروش.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران. ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۶۱). مجموعه مقالات در زمینه باستان‌شناسی. گردآوری مهدی صدری. تهران: انتشارات انجمن مفاخر فرهنگی.
- مقتدر، محمدرضا. (۱۳۷۵). تهران درون حصار از صفویه تا آغاز پهلوی (۱۳۰۸-۹۳۲ ش)، (تهران پایتخت دویست ساله). تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- معیرالممالک، دوستعلی خان. (۱۳۶۱). رجال عصر ناصری. تهران: نشر تاریخ.
- معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان. به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان ملی ایران.
- نجم‌الدوله، عبدالغفار. (۱۳۸۴). سه اثر از نجم‌الدوله (رساله تطبیقه، رساله تشخیص نفوس دارالخلافه...). تنظیم احمد کتابی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هاشمیان، احمد. (۱۳۷۹). تحولات فرهنگی ایران. تهران: نشر سحاب.
- یلمه‌ها، سید احمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی؛ سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۹۰-۶۱.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۷). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- سده‌ی نوزدهم. ترجمه مجید جلیلود. تهران: نشر مرکز.
- بلوک‌باشی، علی. (۱۳۸۰). شمایل‌نگاری در حوزه هنرهای عامه مردم. کتاب ماه هنر؛ شماره ۳۱، ص ۷-۳.
- پنجه‌باشی، الهه و زمانی، پریا. (۱۳۹۵). مطالعه کاشی‌کاری دروازه ارگ سمنان نمادی از شهر اسلامی در دوره قاجار. همایش بین‌المللی علوم انسانی اسلامی. دانشگاه پیام‌نور استان گیلان و سازمان بسیج کارمندان استان گیلان.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان». ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- توسلی، محمود. (۱۳۷۶). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضای مسکونی در ایران. تهران: مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- حاج‌یاسینی، هاله و ارژمند، محمود. (۱۳۹۱). دروازه‌های تهران در حصار تهماسبی. نشریه معماری و شهرسازی؛ دوره ۵، شماره ۹. ص ۱۲۹-۱۰۵.
- حسینی بلاغی، سید حجت. (۱۳۸۶). تاریخ تهران. تهران: مازیار.
- حقایق‌نگار، میرزا جعفر. (۱۲۸۴ قمری). حقایق‌الخبار ناصری. تهران: چاپ سنگی.
- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۳۸۳). مُشترک یاقوت حموی. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: امیرکبیر.
- رضوانی، محمداسماعیل. (۱۳۷۰). گزارشی از دروازه‌های تهران، در عصر ناصری. گنجینه اسناد؛ شماره ۳ و ۴، ص ۷۶-۵۸.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). آدم‌ها و آیین‌ها در ایران. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: کتابفروشی زوآر.
- سیفی‌فمی‌تفرشی، مرتضی. (۱۳۶۲). نظم و نظمیة در دوره قاجاریه. تهران: یساولی.
- شعله، مهسا. (۱۳۸۵). دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای. نشریه‌ی هنرهای زیبا؛ شماره ۲۷، ص ۲۶-۱۷.
- شهری، جعفر. (۱۳۷۱). طهران قدیم. تهران: معین.
- شهیدی، یحیی. (۱۳۴۲). حصار و دروازه‌های قزوین. بررسی‌های تاریخی؛ شماره ۲۹، ص ۱۵۲-۱۲۵.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.

منابع لاتین

- Ker Porter, Robert. (2011). *Travels In Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia, &c. &c: During the Years 1817, 1818, 1819, And 1820*. Charleston: Nabu Press.
- McGlynn, Sue; Smith, Graham; Alcock, Alan & Murrain, Paul. (1985). *Responsive Environments*. Edit by: Ian Bentley. New York: Architectural Press.